کد خبر: ۴۷۳۰۹۷
دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۲ ۲۳:۵۰

یادداشتی به قلم&#۴۷; پویا محسنی

زندگی بود که روزنامه را پاره تن ما ساخت

چند سال شد نمی دانم ، حتی نمی دانم اولین بار من بودم که قلم دست گرفتم تا بنویسم ، یا کسی کاغذ و مداد پیش رویم گذاشت و من را به نوشتن وادار ساخت.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، پویا محسنی در یادداشتی با عنوان"زندگی بود که روزنامه را پاره تن ما ساخت" آورده است:

چرا و چگونه و کی ش یادم نیست. این موضوع خیلی هم برایم اهمیت ندارد ، مهم این است که حالا وقتی پشت سرم را نگاه میکنم ، می بینم خیلی وقت هست مبتلا شده ام.

ما مثل زندانی هایی هستیم که به سلول مان خو کرده ایم از رهایی هراسانیم.

شاید برای همین هیچ وقت نتوانستم جرات آن را پیدا کنم که برای همیشه مدادها را بشکنم و کاغذها را آتش بزنم و زندگی دیگری را پیش بگیرم. البته ما یاد نگرفته ایم طوری دیگری زندگی کنیم.

روزگار ما وسط این همه استرس سپری می شود ، وسط فکرهایی که هراسانیم بلند بلند توی ذهن مان مرور کنیم.

من هنوز که هنوزه کوچکتر از آنم که خودم را پیش بلند قامتانی که در این سرزمین به قلم و فکر حرمت داده اند ، روزنامه نگار بدانم.

نه! اعتماد به نفسم کم نیست ، اما حرمت قلم را می شناسم و برای همیشه روبرو آنان که زندگیشان را گذاشته تا نوشتن بیاموزیم کوچک کوچک می مانم.

سالها قبل وقتی به محمد قوچانی گفتم شما الگویت مسعود بهنود و شمس الواعظین بودند شدی این! من که الگویم محمد قوچانی است معلوم نیست چه شوم. خنده تلخی کرد و گفت : با عشق هر جای لذت بخش است.

وقتی کلمات به جانت بیفتد ،

وقتی فکری داخل سرت باشد تا ته اش را در نیاوری ، ول کن نیستی. از مادرم می پرسم یادش می آید اولین بار چه کسی خودکار دستم داد و قصه خط خطی کردن کتاب های – دکتر شریعتی – بابا را تعریف می کند و می گوید کتک مفصلی خورده ام ولی دانسته بودم که بر نوشته های دیگران نباید خط کشید که باید خود از نو نوشت.

گفتم! گاهی وقت ها دست خودت هم نیست . زندگی ، تو را انتخاب می کند و این بار این زندگی بود که روزنامه را پاره تن ما ساخت.